

شتر دیدی ندیدی!

در حاشیه نوشته محسن ابراهیمی
بازگشت ترامپ: آرزوها و توهمات رضا پهلوی و عبدالله مهدی

محسن ابراهیمی از اعضای رهبری حککا می نویسد " دو پیام تبریک ، یکی از طرف راست سلطنت طلب و دیگری از طرف عبدالله مهدی از طیف قوم پرستان کرد، نشان میدهد که حضور یک کاراکتر مرتجع نژاد پرست در کاخ سفید، سوسوی امیدی در دل دو شکست خورده جرج تاون روشن کرده است. در ادامه می نویسد: "رضا پهلوی ضمن پیام شادباش به "جناب رئیس جمهور ترامپ"، از او به شخصیتی "در کنار مردم" ایران یاد کرده و گفته است که "اکنون شما این فرصت را دارید که تاریخ ساز شوید و با کمک به پایان دادن این تهدید، (تهدید های جمهوری اسلامی) یکبار برای همیشه، میراثی از صلح پایدار به جا بگذارید. در این ماموریت، مردم ایران بهترین شریک شما هستند."

آنچه من را به نوشتن این یادداشت ترغیب نمود نه این نوشته، بلکه تکرار پروپاگاندای جنگی جدید نتانیا هو در یک شو تلویزیونی از زبان حمید تقوایی است. قبل از پرداختن به این موضوع نگاهی به نوشته محسن ابراهیمی بیندازیم تا تکه های نه چندان عجیب و غریب این پازل مسخره کنار هم قرار بگیرند. اگر به موضع گیریهای تاکنون حککا در رابطه با نقشه ها و تحرکات آمریکا و اسرائیل نسبت به ایران در پس وقایع جنگی غزه در فلسطین اشغالی نگاهی بیندازیم، زبان و قلم حمید تقوایی لیدر این حزب در دعوت از رژیم مذهبی و فاشیست اسرائیل البته به کمک مستقیم و همه جانبه آمریکا برای حمله به ایران، تفاوت چندانی از دعوت رضا پهلوی و عبدالله مهدی از نتانیا هو و گفته های اخیرا ترامپ ندارد. آنچه تفاوت دارد جای خالی اسم حمید تقوایی در کنار رضا پهلوی و مهدی در این نوشته است.

محسن ابراهیمی در این نوشته سعی دارد با آگرانديسمان دعوتنامه جدید رضا پهلوی و مهدی از فاشیستی بنام ترامپ برای "تغییر رژیم در ایران"، مخاطب

را با حذف نام حمید تقوایی، خوانندگان را به آدرسی غلط رهنمون و ماجرا را ماست مالی کند یا به عبارتی «شتر دیدی ندیدی». میخواد وانمود کند که، اگر تقوایی و حزب مربوطه تاکنون در کنار و همراه با این دو نفر در تشویق نتانیاهو برای حمله به ایران سینه می زده است، اکنون به خلسه رفته و در خواب و انتظار دیگری بسر می برد، آخرین موضع تقوایی خلاف این را ثابت میکند.

امید حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری به نتانیاهو و دعوت و تشویق از رهبران اسرائیل برای حمله به ایران، به گفته تقوایی "هرچه محکمتر سرنگونی رژیم ایران را تسریع میکند" زبانزد خاص و عام شده و مثال بختک و لکه ننگی بر پرونده سیاسی حمید تقوایی سنگینی میکند. درست مانند کارنامه سیاهی که در تاریخ و پرونده سیاسی جو بایدن و دیگر جنایتکاران حامی جنایات اسرائیل ماندگار می ماند. مواضع بعدی و پینه دوزی بقیه رهبران حزب در این رابطه نه اینکه تنبانی برای حمید تقوایی نشدند، بلکه با موضع گیری جدید تقوایی و تبدیل شدن او به سخنگوی بی، یا، "با" جیره و مواجب و مستقیم نتانیاهو کار را برای محسن ابراهیمی هم مشکلتر ساخت و دم خروس بیشتر از معمول آشکار شد. آقای تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران، که اینجا و آنجا و در هر گفته و نوشته ای به شعار «زن زندگی آزادی» پناه می برد تا با سواستفاده از این جنبش برحق مردمی کلاهی برای خود بدوزد، از رژیمی تقاضای حمله به ایران می کند که در مقیاس وحشتناکی زن و زندگی و آزادی و هزاران کودک را در غزه و لبنان سلاخی و به خاک و خون کشیده است.

ابراهیمی در این نوشته تلاش نمود انتقادات بیشمار به مواضع یا افتضاح سیاسی تقوایی را به یک نحوی جواب یا ماست مالی کند. مصاحبه اخیر حزب فخیمه با تقوایی و تکرار اراجیف نتانیاهو فاشیست از زبان او نشان داد که نه خود و نه حزب اش از این موضع ارتجاعی کوتاه نخواهند آمد.

به دنبال موضع گیریهای حمید تقوایی در توکل و انتظار از نتانیاهو و جو بایدن فاشیست برای تغییر رژیم در ایران، در مطلبی راجع به موضع گیری

های این حزب بویژه "لیدر تقوایی" نوشته بودم: « برای حمید تقوایی تنها یک راه وجود دارد، آنهم بازبینی در مواضعش و اگر جریزه داشته باشد معذرت خواهی از چپ است». تا کنون نشانی از بازبینی و تغییر موضع تقوایی و حککا وجود ندارد. اصولاً موضع گیریهای حمید تقوایی در توکل و دعوت از رژیم فاشیستی و کودک کش اسرائیل برای حمله به کشور دیگر از جمله ایران را موضع رسمی این حزب باید به حساب آورد.

اما "سوسوی امیدی" که محسن ابراهیمی به آن اشاره می کند مربوط و مختص آمدن مجدد ترامپ فاشیست به قدرت در آمریکا نیست، بلکه تداوم "سوسو و امیدی" است که در حاکمیت جنایتکارانه جو بایدن و نتانیاهو در یک سال گذشته و هم اکنون با آمدن فاشیستی دیگر بنام ترامپ، رضا پهلوی، مهتدی و حمید تقوایی به آن دخیل بسته اند.

بایدن یا ترامپ یا هر شخص دیگری در رهبری آمریکا قرار بگیرد، چیزی از توهم هیروتنی رضا پهلوی و مهتدی و تقوایی نمی کاهد. توهمی که قرار است رضا پهلوی را جانشین خامنه ای، تقوایی را فرماندار ابرقو و مهتدی را کدخدای روستای قلاچی نمایند. در هر حالت جنایاتی که به کشته و زخمی شدن بیش از صد و شصت هزار و به نسل کشی مردم بی گناه فلسطین انجامیده و هنوز هم ادامه دارد، توسط دولت مذهبی اسرائیل و به کمک مستقیم و همه جانبه آمریکا و حمایت تام و کمال لابی اسرائیل انجام گرفته و می گیرد.

محسن ابراهیمی اما آگاهانه یا ساده لوحانه در این نوشته نام رژیم فاشیست اسرائیل « لشکر و پادگان نظامی آمریکا و ناتو در منطقه خاورمیانه» را فاکتور می گیرد و با "زرنگی" تقوایی یکی از مشوقین دولت اسرائیل در جنایات و نسل کشی در غزه را از این نوشته اش حذف می کند. معنای رفاقت در یک فرقه همین می تواند باشد.

توکل و اتکا به بورژوازی هر کشور برای تغییر در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور دیگر نه فقط سراب بلکه توهم و عقب ماندگی و گرایش به

ارتجاع است. اگر بعد از انقلاب پنجاه و هفت بخشی از مردم ایران عکس خمینی را در ماه میدیدند، امروز برای بخشی از جریانات سیاسی از جمله سلطنت طلبان و اقلیمی ها و بخشی از "چپ" از جمله لیدر حکما، عکس نتانياهو در ماه جلوس پیدا کرده است. جریانی که تا این حد سقوط کرده باشد یک فرقه مذهبی با تعدادی انسانهای بی افق و بدون هویت و سرگردان بیش نیست.

دیر زمانی است راست افراطی و فاشیسم به کل ساختارهای جامعه بشری یورش آورده است. این تفکر ارتجاعی و نژادپرستانه مدتهاست با تمام امکانات، نوستالژی برگشت به "عظمت" گذشته را تحریک و توسط دولتهای سرمایه و با اتکا به ناسیونالیسم، چه از نوع سلطنتی و اقلیمی تا انواع سناریوهای رژیم چنجی، مشغول بده بستن هستند. هر خواست و اتکایی به این جنایتکاران بدون شک در راستای این سیاستها قرار میگیرد.

دخیل بستن رضا پهلوی و مهتدی این بار به فاشیستی چون ترامپ، اوج توهم، درماندگی و ارتجاع این گدایان قدرت است. دهن کجی نه فقط به مردم ایران، بلکه به هشتاد میلیون نفر آمریکایی است که درجه آستانسیون انتخابات اخیر در این کشور را به مرز هشتاد میلیون (یک سوم تعداد رای دهندگان) رساندند و به هیچ کدام از گزینه های دو جناح سیاسی سنتی در آمریکا رای ندادند. این انتخابات بار دیگر استراتژی بورژوازی آمریکا در استفاده از ملیت و مذهب، و پول و دروغ و ترس را به شکست کشانید.

در جدال با رژیمهای سیاسی بورژوا مذهبی ایران و اسرائیل و همچنین آمریکا و بقیه نقاط جهان سرمایه، اتکا به آگاهی سیاسی و طبقاتی و قرار گرفتن در سمت درست تاریخ تنها راه موجود است.

اسلام سیاسی و رژیم اسلامی در ایران و منطقه به حکم تاریخ نفسهای آخرش را می کشد. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران بر این واقعیت مهم آگاهند و به شیوه های گوناگون از اعتصاب و اعتراض تا اعلام نفرت شفاف و بی پرده

از کل دستگاه سیاسی رژیم مرتجع اسلامی و برای به زباله دان ریختن این جرثومه فساد و تباهی روزانه تلاش می کنند. جنبشهای موجود احتیاجی به آقا بالا سر تعدادی مرتجع و خل و چل ندارد. ایجاد یک دنیای آزاد و برابر حکم تاریخ است.

پیش بسوی آزادی و برابری

زنده باد سوسیالیسم

آزاد نسیم

16 نوامبر 24